

وضع‌شناسی و تحلیل گفتمان نظریه‌پردازی‌های اجتماعی از الگوی خانواده‌ی مطلوب در ایران

سهیلا صادقی فسایی*

ایمان عرفان منش**

چکیده

همواره یکی از اهداف و دستاوردهای نظریه‌پردازی در حوزه‌ی مطالعات اجتماعی خانواده، الگوسازی از این نهاد بنیادین جامعه بوده است. این نظریه‌پردازی‌ها بیشتر برآمده از گفتمانی خاص است. از این رو، نوعی دوسویگی معرفت‌شناختی میان یک الگوی خانواده (به مثابه دستاورد نظریه) و یک گفتمان مشخص وجود دارد. در این مقاله تلاش می‌شود تا ضمن بازخوانی متون و طبقه‌بندی آنها و با استفاده از روش تحلیل گفتمان، به بازنمایی دو الگوی خانواده‌ی مدرن مدنی و ایرانی اسلامی که حاصل دو طیف غالب از نظریه‌پردازی‌های مطالعات اجتماعی خانواده در ایران هستند، پرداخته شود. در مجموع به نظر می‌رسد که علی‌رغم وجود پاره‌ای از ویژگی‌های مثبت که در الگوی مدرن مدنی شناسایی می‌شود. الگوی خانواده‌ی ایرانی - اسلامی مزایای بالقوه‌ی بیشتری دارد.

واژگان کلیدی

ساختار خانواده، نظریه‌پردازی، الگوسازی، گفتمان، الگوی خانواده‌ی مدرن مدنی، الگوی خانواده‌ی ایرانی اسلامی.

*- دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران s_sadeghi@yahoo.com

**- دانشجوی دکتری تخصصی جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه تهران iman.erfanmanesh@yahoo.com

۱- مقدمه و طرح مسئله

در طول تاریخ نظام اجتماعی ایران - قبل و بعد از ورود اسلام - پیوندهای خانوادگی به لحاظ تاریخی اجتماعی منزلت بالایی داشتند، به گونه‌ای که پس از تحولات و تغییرات خانواده در جریان مدرن شدن جامعه، همچنان خانواده نهادی برای پیوند میان «فرد» و «جامعه» بوده است. در سال‌های اخیر و به ویژه در شرایط کنونی به موازات گسترش مباحث پیرامون لزوم اتخاذ الگویی خاص برای سبک زندگی متناسب با جامعه‌ی ایران، یکی از محورهای مناقشات فکری در میان نظریه‌پردازان اجتماعی، نوع نگرش به نهادهای بنیادین اجتماعی یعنی سیاست، اقتصاد، تعلیم و تربیت و خانواده بوده است. خانواده‌ی سنتی (اقتدارگرا و یا نیمه اقتدارگرا) در شرایط کنونی با چالش‌هایی همراه است و از برخی ویژگی‌های آسیب‌زای آن انتقاد می‌شود (صادقی فسایی و عرفان منش ۱۳۹۲). از این رو، یکی از علقه‌ها و تمایلات مهم نظریه‌پردازان مطالعات اجتماعی خانواده‌ی کنونی، توجه به الگوی مطلوب و مناسب جایگزین است.

«الگوسازی» به عنوان یکی از مهم‌ترین کوشش‌های نظریه‌پردازی اجتماعی، به لحاظ مفهومی مشتمل بر تبعات نظری منسجم و مدون شده در قالب مجموعه‌ای از اعمال و هنجارهای اجتماعی است که با به عاریت گرفتن مفاهیم متعلق به گفتمان مربوطه، تلاش می‌کند تا به «جهان اجتماعی» معنایی ویژه داده و آن را متناسب با اصول و ملزومات منطقی خود، بازسازی

تحلیل گفتمان نظریه‌پردازی‌های اجتماعی از الگوی خانواده‌ی مطلوب در ایران

کند. بنابراین نظریه‌پردازی با توجه به زمینه‌ی گفتمانی ویژه، از نهادهای اجتماعی الگویی ارائه می‌دهد تا با استعانت از آن بتواند «واقعیت اجتماعی» را به الگو نزدیک کند. از این رو، فهم دوسوییگی نظریه‌پردازی از الگوی خانواده و پیش‌زمینه‌ی گفتمانی آن، مستلزم بازنمایی نظریه‌پردازی‌های انجام شده از الگوی خانواده و کشف و تفسیر پیش‌زمینه‌ی گفتمانی آنهاست. الگوهای خانواده در سطوح و جنبه‌های مختلفی از جمله مناسبات قدرت در خانواده، وظایف و تکالیف والدین و فرزندان در قبال یکدیگر، کارکردهای خانواده و موضوعاتی همچون ازدواج و طلاق ترسیم می‌شوند و اغلب ویژگی‌های ساختار خانواده را در درون خود منعکس می‌کنند. دو سؤال اساسی این مقاله عبارت‌اند از:

۱- نظریه‌پردازی‌های انجام گرفته برای معرفی یک الگو از خانواده در

ایران کدام‌اند؟

۲- پیش‌زمینه‌ی گفتمانی هر یک از الگوها چیست؟

بنا بر آنچه بیان شد، این مقاله پس از بررسی ملاحظات نظری و مفهومی، برای شناسایی نظریه‌پردازی‌ها از الگوی خانواده و تحلیل گفتمان الگوهای برآمده از آنها مراحل زیر را طی خواهد کرد:

- سنخ‌بندی نظریه‌پردازی‌های انجام شده از الگوی خانواده در تحقیقات

جامعه‌شناسی و اجتماعی؛

- استخراج مفاهیم مرکزی و گزاره‌های موجود در الگوهای خانواده و مقوله‌بندی مفاهیم آنها (تحلیل گفتمان توصیفی)؛
- بررسی پیش زمینه‌ی گفتمانی الگوها و چگونگی برساخته شدن روابط مربوط به هر یک از الگوهای خانواده از سوی گفتمان‌ها.

۲- پیشینه‌ی تحقیق

با بررسی تحقیقات پیشین به نظر می‌رسد بررسی جامعی از اتصال نظری بین نظریه‌پردازی اجتماعی از الگوهای خانواده و تحلیل پیش زمینه‌ی گفتمانی آنها انجام نشده است. البته کوشش‌های نظری برای معرفی الگو در برخی از نظریه‌پردازی‌های اجتماعی در ایران دیده می‌شود، برای نمونه، امیری در بحثی از روش‌شناسی آسیب‌شناسی خانواده و دست‌یابی به الگوی بهینه با رویکرد بومی، تلاش کرده است تا به لحاظ روش‌شناسی ضرورت‌های رسیدن به الگوی بومی را بررسی کند. مراحل رسیدن از عینیت‌گرایی به دانش‌چگونگی با لحاظ مفروضات و نگرش‌ها فرآیندی را از درک مفهوم‌سازی، آزمون مفاهیم و تجربه به وجود می‌آورد که در نهایت محقق را به الگوی بومی رهنمون می‌کند. منظور محقق از الگوی بومی، الگویی برآمده از مبانی معرفت‌شناسی همسو با فرهنگ و اندیشه‌ی داخلی (ایرانی) است (امیری ۱۳۸۸). همچنین، باقری در پژوهشی درباره‌ی ضرورت راهبرد نظریه‌پردازی در جامعه‌شناسی خانواده، به طرح موضوع خلق دانش و مدل در حیطه‌ی خانواده پرداخته است. ظهور خارجی و عینی نظریه در پرتو

تحلیل گفتمان نظریه‌پردازی‌های اجتماعی از الگوی خانواده‌ی مطلوب در ایران

فرآیند اجتماعی شدن بررسی شده است. در نگاه محقق، لازم است تا برای رسیدن به الگویی بومی، به اندیشه‌ی اسلامی توجه شود (باقری ۱۳۸۹). مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران نیز در پژوهشی پیرامون عوامل مؤثر در تحکیم خانواده تلاش کرده است تا ضمن آسیب‌شناسی خانواده‌ی ایرانی در ابعاد گوناگون، مختصات کلی یک الگوی قابل اتکا برای سامان‌دهی به وضعیت خانواده ارائه دهد که البته نیازمند حمایت‌های اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، قانونی و قضایی است (مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران ۱۳۸۶).

نظریه‌پردازی و تحقیقات مشابه در حوزه‌ی مطالعات اجتماعی خانواده در سایر کشورها نیز ناظر به تلاش‌هایی برای سنخ‌بندی از نهاد خانواده بوده است. برخی از آثار ویژگی‌های برجسته داشته‌اند که وجه مشترک همگی آنها نظریه‌پردازی در خصوص یک یا چند مؤلفه از الگوی خانواده است. البته آنها به بررسی زمینه‌ی گفتمانی توجه نکرده‌اند. یکی از مشهورترین آثار درباره‌ی الگوهای خانواده کتاب *انقلاب جهانی در الگوهای خانواده* اثر ویلیام جی‌گود در سال ۱۹۶۳ است. نتیجه‌ی نهایی گود پس از بررسی کشورهای آسیایی، آفریقایی و اروپایی، تفوق خانواده‌ی هسته‌ای است. البته در این کتاب منظور از الگوی خانواده، نوع و شکل خانواده می‌باشد (Goode 1963). «مییر فرانسیس نیمکف» در کتاب *نظام‌های تطبیقی خانواده* چند نوع خانواده را از یکدیگر متمایز کرده است؛ گسترده و هسته‌ای، درون

همسری و برون همسری، پدرسالاری و مادرسالاری و نظایر آن. سپس به بررسی این نظام‌های خانواده در کشورهای مختلف جهان پرداخته و در ادامه تغییرات خانواده ناشی از صنعتی شدن را تبیین کرده است (Nimkoff 1965). «کاترین حکیم» در کتاب *مدل‌های خانواده در جوامع مدرن: ایده‌آل‌ها و واقعیت‌ها* انواع مدل‌های خانواده در انگلستان و اسپانیا را بررسی کرده است. مفهوم الگو در این کتاب بیشتر بر اساس تقسیم کار خانگی زنان تفکیک شده است. در یک دسته‌بندی، زنان با مرکزیت خانه‌داری، زنان با مرکزیت کار بیرون و زنان تطابق‌پذیر با محیط بیرون و درون خانواده از یکدیگر متمایز شده‌اند. به موازات این تقسیم‌بندی، سه مدل از خانواده یعنی «برابری‌خواه»، «مبتنی بر نقش‌های توافقی» و «مبتنی بر نقش‌های متمایز و تفکیک شده» ارائه شده است. نتیجه‌ی کتاب این است که زنان بیشتر به مدل برابری‌خواه و مردان بیشتر به مدل سنتی متمایل بوده‌اند (Hakim 2003).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در بین آثار داخلی نمی‌توان تحقیق مستقلی را درباره‌ی وضع شناسی از نظریه‌پردازی در زمینه‌ی الگوی خانواده در ایران مشاهده کرد. در تحقیقات خارجی نیز بیشتر آثار به تقسیم‌بندی کلی از خانواده پرداخته‌اند و بیشتر بر مبنای تقسیم کار خانگی و توزیع قدرت در خانواده به تفکیک الگوها مبادرت کرده‌اند.

۳- ملاحظات نظری و روش‌شناختی

گفتمان نظریه‌پردازی و الگوسازی گفتمان ساخته شده از زبان است، اما تأثیر فرا زبانی دارد. زبان در همه‌ی سطوح اجتماعی در پی ایجاد نظم و تغییر است (ون داک، ۱۳۸۲: ۸۰). جیمز پال‌گی معتقد است زبان قادر به معناسازی، دنیاسازی و فعالیت‌سازی است (Gee 1999: 86). به تعبیر نورمن فرکلاف، گفتمان فرآیندی به وجود می‌آورد که بر اساس آن، مردم می‌توانند با به‌کارگیری نمادها، نشانه‌ها و زبان‌هایی مشترک، با یکدیگر تعامل کنند. به نظر او بین سه سطح از پدیده‌های اجتماعی یعنی صورت‌بندی اجتماعی، نهاد اجتماعی و کنش اجتماعی رابطه وجود دارد. در این میان، زبان به منزله‌ی کنش اجتماعی است (فرکلاف ۱۳۷۹: ۴۳؛ آقاگل زاده ۱۳۸۵: ۱۵۰). در این باره «تئون ادریانوس ون داک» معتقد است یکی از اهداف اصلی مطالعه‌ی گفتمان، فهم چگونگی کاربرد زبان و ارتباط آن با باورها و تعاملات افراد در جامعه است (ون داک ۱۳۸۲: ۱۸). وی معتقد است مطالعه‌ی گفتمان به مثابه کنش می‌تواند رویکرد وسیع‌تری در پیش بگیرد تا کارکردهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گفتمان را در چارچوب نهادها، گروه‌ها یا به طور کلی جامعه و فرهنگ به نمایش بگذارد (همان: ۸۶). «روث وداک» معتقد است با در نظر گرفتن زبان به عنوان شکلی از کردار اجتماعی، وجود رابطه‌ای دیالکتیکی بین کردارهای گفتمانی و حوزه‌های خاص عمل را مانند موقعیت‌ها، چارچوب‌های نهادی و ساختارهای اجتماعی که کردارهای گفتمانی درون آنها جای می‌گیرند،

مفروض می‌گیرد (Wodak 2001: 65-66). بنابراین، گفتمان هم ساخته شده و هم سازنده است. گفتمان‌ها هویت‌سازند و خصلت تسری دهندگی به جامعه را دارند (جمعی از پژوهشگران ۱۳۹۱: ۴). از دیدگاه «ارنستو لاکلاو» و «شتال موف» گفتمان‌ها تصور ما از حقیقت و جهان را شکل می‌دهند و تغییر در گفتمان‌ها، تغییر در جهان اجتماعی را به همراه خواهد داشت. آنها معتقدند هر گفتمان بخش‌هایی از حوزه‌ی اجتماع را در سیطره‌ی خود گرفته و با در اختیار گرفتن ذهن سوژه‌ها، به گفتارها و رفتارهای فردی و اجتماعی آنها شکل می‌دهد (مک دانل ۱۳۸۰: ۳۳-۳۱؛ سلطانی ۱۳۸۳: ۱۵۶).

با عنایت به نظریات فوق، گفتمان‌ها به واسطه‌ی قدرتشان در ساختن الگوهای نظری از نهادهای اجتماعی، قادرند نظریه‌پردازی‌های علمی را به سمت مبانی معرفتی و معیارهای بنیادین خود جلب کنند. به نحوی که گفتمان‌ها مدعی بازسازی ساختار خانواده طبق اصول و دیدگاه خود هستند. الگوهای نظری که به ترسیم چگونگی ساختار و روابط مؤلفه‌های موجود در نهاد خانواده می‌پردازند، متأثر از دیدگاه نظریه‌پردازان آن‌الگو به جامعه، ساختارها، واقعیت‌های اجتماعی و تفسیرهای ذهنی از تعاملات معنادار افراد با یکدیگر است. بنابراین، هر گونه تلاش در سطح نظریه‌پردازی درباره‌ی معرفی الگوی خانواده، در نهایت به گفتمان‌هایی که پشتوانه‌ی علمی و معرفتی آن نظریه‌اند، مربوط می‌شود. گفتمان‌های موجود در جامعه در عینیت‌سازی اهداف خود، رقیب محسوب می‌شوند. گفتمان‌های رقیب تلاش می‌کنند تا

تحلیل گفتمان نظریه‌پردازی‌های اجتماعی از الگوی خانواده‌ی مطلوب در ایران

با الگوسازی از پدیده‌های اجتماعی، کفایت ذهنی و عینی خود را اثبات کنند. همان‌طور که برداشت می‌شود، دو رابطه‌ی در هم تنیده وجود دارد؛ - خود الگو به مثابه «خرده گفتمان»؛ - الگو به مثابه «تیپ ایده آل» متعلق به گفتمانی کلان‌تر.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، مبانی نظری و جنبه‌های روش‌شناختی تحلیل گفتمان به شدت در هم تنیده شده است؛ به گونه‌ای که تحلیل گفتمان به مثابه یک رویکرد این امکان را می‌دهد تا به داده‌های مربوط نزدیک شده و با عنایت به آنها به تبیین رهنمون شد. بنابراین، به لحاظ روش‌شناسی لازم است تا ضمن توجه به بازخوانی متون، تحلیل و طبقه‌بندی نظریه‌پردازی‌ها از الگوی خانواده، پیش‌زمینه‌ی گفتمانی آنها را به لحاظ گفتمان توصیفی و تفسیری تحلیل کرد. این تحلیل گفتمان بر مبنای نظریه‌ی جیمز پال‌گی و نورمن فرکلاف انجام خواهد شد.

۴- مفهوم‌شناسی ساختار و الگوی خانواده در مطالعات جامعه‌شناسی خانواده

۴-۱- خانواده و ساختار آن

گیدنز معتقد است خانواده گروهی از افراد که با پیوندهای خونی، ازدواج یا فرزندخواندگی با یکدیگر مربوط بوده، یک واحد اقتصادی را تشکیل می‌دهند و اعضای بزرگسال آن مسئول پرورش کودکان هستند. همهی جوامع شناخته شده شکلی از نظام خانواده دارند؛ اگر چه ماهیت

روابط بسیار متغیر است. هر چند در جوامع امروزی شکل اصلی خانواده، خانواده‌ی هسته‌ای است اما انواع روابط خانواده‌ی گسترده نیز یافت می‌شود (گیدنز ۱۳۸۲: ۷۸۶). ویلیام گاردنر برای تأکید بر تعریف صحیح خانواده، بین خانواده‌ی «طبیعی» و «اجتماعی» تفاوت قائل شده و بر این باور است که خانواده‌ی طبیعی خانواده‌ای است که از زن و مرد و فرزندان آنها تشکیل شده است. این نوع از خانواده در طول تاریخ به حیات خود ادامه داده و همچنان نیز استمرار دارد. در مقابل، خانواده‌ی اجتماعی، انواع خانواده‌های جدید را که در اثر تغییرات اجتماعی پدید آمده است، شامل می‌شود (گاردنر ۱۳۸۶: ۷۹ و ۸۰).

ساختار خانواده با ویژگی‌های خاصی همچون محل سکونت، پیوندهای خویشاوندی، چگونگی توزیع قدرت و مسئولیت‌ها و تعاملات درونی بین اعضای آن تعریف می‌شود. اگر تمامی این ویژگی‌ها در یک خانواده یافت شود، آنگاه ساختار خانواده شکل می‌گیرد (مک کارتی و ادواردز ۱۳۹۰: ۳۰۰). بنابراین ساختار خانواده مجموعه روابطی است که اعضا در آن یکدیگر را به رسمیت شناخته، رفتارهای معینی از یکدیگر را انتظار داشته و از راه‌های پیش‌بینی شده‌ای با یکدیگر تعامل می‌کنند. البته در نگاه بسیاری از جامعه‌شناسان غربی خانواده ساختار واحد و مشخصی ندارد (دفتر مطالعات و تحقیقات زنان ۱۳۹۲: ۳). در حال حاضر، در ایران خانواده‌ی هسته‌ای بر خانواده‌ی گسترده غلبه دارد. خانواده‌ی ایرانی فارغ از اینکه در شهر و یا

تحلیل گفتمان نظریه‌پردازی‌های اجتماعی از الگوی خانوادگی مطلوب در ایران

روستا باشد، هویت و وجوه مشترکی دارد که اغلب از آن به عنوان فرهنگ خویشاوندی یا به تعبیر رافائل پتای، «فرهنگ قوم و خویشی» یاد می‌شود (نقوی ۱۳۷۷: ۱۹).

۲-۴- الگو^۱ و الگوی خانواده

در فرهنگ فارسی معین، «الگو» مترادف با واژه‌های طرح، نمونه و روبه‌رو معنا شده است (معین ۱۳۷۸: ۳۴۲). یک الگو می‌تواند به مثابه رویه‌ای برای نیل به مطلوب تلقی شود. «آلن بیرو» در فرهنگ علوم/اجتماعی آورده است که الگو به معنای پدیده‌ای است که در یک گروه اجتماعی شکل گرفته، به این منظور که مدل یا راهنمای عمل در رفتارهای اجتماعی هم از دیدگاه کارکردی و هم روانی - اجتماعی به کار آید و الگوها شیوه‌هایی از زندگی‌اند که از صور فرهنگی نشئت می‌گیرند. الگوها در افکار، نگرش‌ها و رفتارهای کنشگران تأثیر می‌گذارند (بیرو ۱۳۷۰: ۱۳۰). همچنین الگو در جامعه‌شناسی را می‌توان با مفهوم تیپ ایده آل پیوند داد. تیپ ایده آل مصداق عینی ندارد و برای نزدیک‌سازی واقعیت عینی به ایده آل ساخته می‌شود. بنابراین، هر گونه تلاش علمی با پشتوانه‌ی مستدل نظری که مؤلفه‌ها و اجزای جامعه‌شناختی از نهاد خانواده را در مدلی طراحی کرده و آنها را منسجم در کنار یکدیگر قرار دهد، الگوی خانواده را تشکیل می‌دهد. یک الگوی جامع متشکل است

1- pattern

از نوع خانواده، نگرش به ازدواج و طلاق، تعاملات اعضای خانواده، سایز خانواده، تقسیم کار خانگی، حقوق اعضای خانواده، رابطه‌ی زن و مرد، رابطه‌ی والدین و فرزندان، رابطه‌ی فرزندان با یکدیگر، نوع اوقات فراغت و چگونگی آن و غیره.

همان طور که ملاحظه می‌شود، در این مقاله منظور از الگوهای خانواده، انواع و یا گونه‌های متفاوت از خانواده همچون هسته‌ای، گسترده، پدر مکان، مادر مکان، تک همسر، چند همسر و غیره نیست؛ برای مثال دو نوع مرسوم خانواده‌ی گسترده و خانواده‌ی هسته‌ای، بیشتر برای بیان بُعد خانواده و روابط اعضا با یکدیگر به کار می‌رود. همچنین خانواده‌ی پدرسالار و خانواده‌ی مادرسالار بیشتر در بیان توزیع قدرت در خانواده استفاده می‌شود؛ اما مفهوم «الگوی خانواده» وسیع‌تر از این است که تنها جنبه‌ای از خانواده را در بر بگیرد و بر یک جنبه تمرکز و تأکید داشته باشد.

۵- سنخ بندی تحقیقات در حوزه‌ی نظریه‌پردازی اجتماعی از الگوی

خانواده‌ی ایرانی

این مقاله با بررسی منابعی مشتمل بر کتاب‌ها، مقالات، پژوهش‌ها و پایان نامه‌های مربوط به حوزه‌ی تحقیقات و مطالعات اجتماعی خانواده، در یک جمع‌بندی به طبقه‌بندی دوگانه از تحقیقات شاخص درباره‌ی نظریه‌پردازی اجتماعی از الگوی خانواده دست یافته است.

۵-۱- مؤلفه‌های ساختاری الگوی خانواده

برخی از نظریه‌پردازی‌های انجام شده درباره‌ی الگوهای خانواده، شامل تحقیقاتی است که بر اساس یافته‌های شان اقدام به سنخ‌بندی انواع خانواده کرده‌اند. بابایی در تحقیق خود درباره‌ی الگوی خانواده و سبک فراغت جنسیتی در تهران، به دو تیپ خانواده‌ی اقتدارگرا (سنتی) و مشارکتی اشاره می‌کند که در هر کدام از آنها، اوقات فراغت هر یک از اعضای خانواده تمایزات مشهودی دارد. این موضوع نشان می‌دهد که با تغییر الگوی خانواده، نگرش به سبک زندگی (از جمله مقوله‌ی اوقات فراغت) تغییر می‌کند (بابایی ۱۳۸۴). همچنین، قوامی در پایان نامه‌ای درباره‌ی گونه‌شناسی انواع خانواده‌های بازنمایی شده در فیلم‌های تلویزیونی، به چهار تیپ خانواده‌ی سنتی، دموکراتیک، در حال فروپاشی و مطلوب اشاره کرده است (قوامی ۱۳۸۸). شکرپیگی پس از بررسی‌های انجام شده از خانواده (بر اساس سرمایه‌ی اجتماعی)، به ترتیب چهار تیپ خانواده‌ی در حال گذار، سنتی، تجددگرا و پست مدرن را نام‌گذاری کرده است؛ این سنخ‌بندی از خانواده بیشتر بر اساس توزیع قدرت و نقش‌های والدین و فرزندان انجام شده است. نتیجه‌ی در خور توجه اینکه، خانواده‌ی ایرانی در حال گذار ویژگی‌های تلفیقی از خانواده‌ی سنتی و تجددگرا را دارد (شکرپیگی ۱۳۹۰). همچنین، فاضلی و علی‌نقیان در بررسی خود درباره‌ی گونه‌شناسی الگوهای در حال ظهور زندگی خانوادگی در شهر تهران، سه تیپ خانواده‌ی سنتی روستایی،

مدرن شهری و پست مدرن کلان شهری متمایز کرده‌اند (فاضلی و علیشیان ۱۳۹۱).

۵-۲- معرفی ساختار یک الگوی جامع از خانواده

در مجموع، پس از بررسی‌های انجام شده^۱ می‌توان نظریه‌پردازی‌های منسجمی را که در حیطه‌ی جامعه‌شناسی و یا علوم اجتماعی پیرامون معرفی ساختارمند الگویی از خانواده انجام شده‌اند، به دو الگو مرتبط کرد؛ مدرن مدنی (لیبرالیستی) و ایرانی اسلامی.

۵-۲-۱- الگوی مدرن مدنی (لیبرالیستی)

این الگو بیشتر در تقابل با الگوی حاکم بر خانواده‌ی ایرانی و در سایه‌ی آسیب‌های فراوان این نهاد، با تکیه بر روابط عاطفی دموکراتیک و مدنی، در صدد معرفی الگویی مدرن از خانواده‌ی ایرانی است. نظریات اخیر آنتونی گیدنز درباره‌ی خانواده، مباحث هابرماس درباره‌ی جامعه‌ی مدنی بر مبنای توافق و گفت‌وگو و همچنین برخی از فمینیست‌های لیبرال نیز در معرفی این نوع از خانواده مؤثر بوده‌اند؛ برای نمونه، جلالی‌پور به تیپ‌بندی خانواده‌ی الگوی مدنی در مقابل خانواده‌ی پدرسالار سنتی می‌پردازد و پس از طرح پاره‌ای از آسیب‌های جدی در نهاد خانواده، از الگوی مدنی دفاع می‌کند.

۱ - برای نمونه درباره‌ی الگوی خانواده‌ی مدرن مدنی ر.ک بابایی (۱۳۸۴)؛ جلالی‌پور (۱۳۸۵) و (۱۳۸۶) و (۱۳۸۲)؛ علوی تبار (۱۳۸۶) و برای الگوی خانواده‌ی ایرانی اسلامی ر.ک بستان (۱۳۸۵)؛ دبیرخانه‌ی نشست اندیشه‌های راهبردی (۱۳۹۱)؛ قائمی (۱۳۶۳)؛ رضایی و نراقی (۱۳۸۹)؛ سلطانی (۱۳۹۰).

تحلیل گفتمان نظریه‌پردازی‌های اجتماعی از الگوی خانواده‌ی مطلوب در ایران

از ویژگی‌های این مقاله تقسیم‌بندی و مقایسه‌ی ساختار یافته‌ی ویژگی‌های کلان و خرد خانواده در دو الگوی سنتی و مدنی است (جلایی‌پور ۱۳۸۵). همچنین، علوی تبار در مقاله‌ای با عنوان «خانواده‌ی سنتی گزینه‌ای ناممکن»، دو تیپ خانواده‌ی سنتی و مبتنی بر روابط دموکراتیک را سنخ‌بندی کرده و سپس ضمن هجمه به خانواده‌ی سنتی، از نوع دوم خانواده برای الگوی خانواده‌ی ایرانی دفاع کرده است (علوی‌تبار ۱۳۸۶).

در خانواده‌ی مدرن مدنی ویژگی‌های متعددی دیده می‌شود، که از آن جمله است؛ اصالت فردی و برجسته بودن عاملیت اعضای خانواده، خانواده‌ی هسته‌ای^۱، خانواده‌ی لیبرال، برابری حقوق زن و مرد، غیر اقتدارگرا، تصمیم‌سازی با مشارکت اعضای خانواده، حق اشتغال زنان و استقلال مالی آنها، بر هم خوردن روابط قدرت نظام پدرسالار، توزیع قدرت در خانواده، روابط مبتنی بر عاطفه و احترام متقابل، کاهش تعداد فرزندان، دخالت نکردن سایر خویشاوندان در امور خانواده‌های نوپا، آزادی والدین و استقلال در تصمیم‌گیری، انتخاب و فردیت اعضای خانواده، استقلال مالی مرد و زن از پدر و مادر خویش، همسریابی افراد و همسرگزینی با رضایت والدین، آشکار کردن و بروز علاقه‌ی والدین نسبت به یکدیگر، توجه به حقوق زنان و کودکان و غیره.

۱- خانواده‌ی گسترده با مقتضیات دوران مدرن مثل رشد فزاینده‌ی فردیت، آگاهی و هویت‌های دگرگون‌شونده هماهنگی ندارد (جلایی‌پور ۱۳۸۵).

باید به این نکته توجه داشت که اضافه شدن لفظ «مدنی» به این الگو از خانواده به معنای سلب این صفت از سایر الگوها نیست. مدنی بودن الگوی مدرن لیبرالیستی به دلیل کاربرد بی‌واسطه و عامدانه‌ی مروجین این الگو از این واژه است. البته مروجین این الگو معنای خاصی از مدنی بودن را مطرح نظر دارند که در بخش تحلیل گفتمان به آن پرداخته خواهد شد. به اجمال اشاره می‌شود که بیان صفت مدنی در ادبیات جامعه‌شناسی خانواده و مطالعات خانواده، بر خانواده‌هایی دلالت دارد که در آن مناسبات قدرت و تقسیم کار خانگی بر مبنای مشارکت و تعامل‌گرایی بنیان و بیشتر در اجتماعات شهری شناسایی می‌شود.^۱

۵-۲-۲- الگوی ایرانی اسلامی

این الگو طی دو سال گذشته در غالب گفتمان «تمدن ایرانی - اسلامی» و همچنین «سبک زندگی ایرانی - اسلامی» از سوی مسئولین و محققین حوزه و دانشگاه معرفی شده است. بستان در تحقیقی به بررسی تشیع و تأثیر آن در خانواده‌ی ایرانی پرداخته است. او معتقد است یکی از ویژگی‌های خانواده در ایران تأثیرپذیری از ارزش‌های مذهبی است و در همین راستا توجه به خانواده‌ی مبتنی بر ارزش‌های دینی را راهگشا توصیف کرده است (بستان ۱۳۸۴). مباحث مبسوط این نظریه‌پرداز در اثر دیگری نیز دیده می‌شود

۱- واضح است که خانواده‌ی ایرانی - اسلامی (که در ادامه به آن اشاره خواهد شد) نیز به لحاظ محتوا و کیفیت روابط اعضای خانواده، تعامل‌گرا محسوب می‌شود.

(بستان ۱۳۸۵). همچنین، رضایی و نراقی الگوی خانوادگی سالم در سیره‌ی پیامبر اسلام (ص) را بررسی کرده و با تبیین روابط اعضای خانواده در سه محور - عاطفی اخلاقی، جنسی و اقتصادی راه حل خروج از بسیاری مشکلات و آسیب‌های موجود را توجه به الگوی خانواده برآمده از تعلیمات مذهبی می‌دانند (رضایی و نراقی ۱۳۸۹). سلطانی نیز در پژوهشی پیرامون الگوی ساختار خانوادگی مطلوب از دیدگاه اسلام، به ویژگی مهم اصالت فرد و جمع در روابط تقسیم کار و قدرت در خانواده اشاره کرده است و همچنین به عنصر همدلی برآمده از آموزه‌های دینی به عنوان خصلتی خاص در خانوادگی اسلامی اشاره کرده است (سلطانی ۱۳۹۰).

خانوادگی ایرانی - اسلامی، خانوادگی است که عناصر اجتماعی و فرهنگی تشکیل دهنده‌ی آن برآمده از ویژگی‌های مطلوب تاریخی خانوادگی ایرانی و همچنین آموزه‌های دین اسلام درباره‌ی خانواده است. این الگو مدعی است که با عنایت به آموزه‌های دینی و توجه هم‌زمان به مقتضیات خانواده در ابعاد اجتماعی و فرهنگی ایران، می‌توان به خانوادگی سالم و اخلاقی دست یافت و البته لازمه‌ی چنین شرایطی، ایجاد سبک زندگی ایرانی - اسلامی در جامعه است. از جمله ویژگی‌های این خانواده توجه به حقوق زن و مرد با توجه به احکام و توصیه‌های اسلام است. همچنین محوریت اصالت جمع و اصالت فردی از اصول مهم این الگو تلقی می‌شود (سلطانی ۱۳۹۰: ۱۶۴). دو ویژگی اصلی این خانواده، توجه توأمان به هویت ایرانی در

کنار هویت دینی است.

در ادامه، این مقاله تحلیل خود را بر مبنای سنخ دوم از نظریه پردازی‌ها اختصاص می‌دهد.

۶- تحلیل گفتمان الگوهای برآمده از نظریه پردازی‌ها

دو الگوی مدرن مدنی (لیبرالیستی) و ایرانی - اسلامی را می‌توان بر اساس نظریه‌ی جیمز پال‌گی و فرکلاف و با استفاده از ادبیات تحلیل گفتمانی لاک لاو و موف در دو سطح توصیفی و تفسیری بررسی کرد. جیمز پال‌گی معتقد است که در تحلیل گفتمان می‌توان به دنبال دستیابی به این سؤالات پنج‌گانه بود؛

- هر گفتمان کدام عبارات یا مفاهیم را به کار گرفته و کدام عبارات و مفاهیم را حذف می‌کند؟

- واژه‌ها با چه واژه‌های دیگری ترکیب می‌شوند و این ترکیب‌بندی از چه قاعده‌ای تبعیت می‌کند؟

- گفتمان از کدام موضع و موقعیت بر می‌خیزد؟

- گفتمان‌های متخاصم هر گفتمان کدام‌اند؟

- گفتمان با چه نهادهایی در ارتباط است؟

در این میان، سؤالات اول و دوم در عمل به تحلیل گفتمان توصیفی و سه سؤال بعد به سطح تحلیل گفتمان تفسیری و تبیینی منتج می‌شود.

تحلیل گفتمان نظریه‌پردازی‌های اجتماعی از الگوی خانواده‌ی مطلوب در ایران

همچنین نورمن فرکلاف بر این باور است که برای داشتن تحلیلی جامع از گفتمان باید سطوح تحلیلی - توصیفی، تفسیری و تبیینی را بر گفتمان اعمال کرد. در سطح توصیفی، نظام معانی جدا از زمینه و شرایط اجتماعی آن تحلیل می‌شود (فرکلاف: ۱۳۷۹: ۱۷۱ و ۱۷۲). در سطح تفسیری، با معناکاوی سروکار داریم و هدف، فهم معانی و کشف جوهر نهفته در گفتمان است. به عبارت دیگر، هم توجه به درون بافت گفتمان و هم درون بافت موقعیتی آن، زیرا گفتمان معانی خود را از زمینه‌ی معرفتی اجتماعی می‌گیرد (همان: ۲۱۵). همچنین می‌توان یک خرده گفتمان را درون گفتمان کلان‌تر معناکاوی کرد (همان: ۲۳۰) و در نهایت در سطح تبیینی نیازمند نوعی تحلیل فرامتن است. یعنی پاسخ به اینکه چرا و چگونه خرده گفتمان رخ داده است؟ تبیین، معطوف به بررسی تأثیر متقابل ساختارهای اجتماعی و گفتمان (یا خرده گفتمان) است (همان: ۲۴۵).

۶-۱- تحلیل گفتمان توصیفی: بازنمایی مفاهیم و گزاره‌های مرکزی الگوها

در این مرحله «مفاهیم» مدنظر است. یک مفهوم تصویری است که در قالب کلمات و یا به صورت یک نماد بیان می‌شود. مفاهیم نقش برقراری پیوند با جهان اجتماعی را دارند. در «سنت هستی‌شناختی»^۱، مفاهیمی وجود دارد که خصایص اساسی جهان اجتماعی را تعریف می‌کنند (بلیکی ۱۳۸۷:

1- Ontological tradition

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده

۱۷۴-۱۷۰). مفاهیم هر کدام از الگوها، برخاسته از جهان اجتماعی مورد نظر
گفتمان‌های آنهاست. به عبارت دیگر، با توجه به نظریه‌ی لاکلاو و موف
گفتمان‌ها سعی در ساختن آن جهان و یا شکل‌دهی به آن را دارند. بر اساس
آنچه که در بخش مفهوم‌شناسی الگوی خانواده مطرح شد، خلاصه‌ی ابعاد
ده گانه، از دو الگوی خانوادگی مدرن مدنی (لیبرالیستی) و ایرانی - اسلامی
بررسی تطبیقی می‌شود.

مفاهیم اساسی و کلیدی		مؤلفه‌ی الگو
الگوی ایرانی - اسلامی	الگوی مدرن مدنی (لیبرالیستی)	
هسته‌ای - کنترل باروری محدود - شبکه‌ی خویشاوندی - واحد مهم اجتماعی	هسته‌ای جدا مکان - اصالت فرد - فرزندان محدود - واحدی «عاطفی» - کنترل باروری	نوع خانواده
پیوند با جامعه - صله‌ی ارحام - تولید مثل - جامعه‌پذیری - کنترل اجتماعی - مراقبت و حمایت - تنظیم روابط جنسی - مشروعیت بخشی	جامعه‌پذیری محدود فرزندان - آموزش روابط دموکراتیک - تأمین عاطفی - تنظیم روابط جنسی	کارکردهای خانواده
اصالت فردی و جمعی - مدیریت داخل خانه‌ی زنانه - کار بیرون مردانه / زنانه - امور بیرون مردانه و زنانه - رویکرد تناسب وظایف و حقوق - تکمیل‌گری مرد و زن - نقش‌های جنسیتی عاری از ارزش‌گذاری	تکالیف و انتظارات نقشی متغیر - تقسیم کار تفاهمی - اصالت روابط عرصه‌ی عمومی	تقسیم کار در خانه
دوطرفه - تصمیم‌سازی مشترک - عدالت جنسیتی نه مساوات	توازن و تساوی روابط دموکراتیک - تصمیم‌گیری تفاهمی	توزیع قدرت
منطقی - عاطفی - بیرون و درون خانه	حسابگر (عقلانی) - عاطفی - بیرون و درون خانه	نگاه به مردان
منطقی - عاطفی - عقیف - مشارکت اجتماعی بیرونی - اولویت درون خانه	حسابگر (عقلانی) - عاطفی - بیرون و درون خانه	نگاه به زنان
مسئولیت‌پذیر - نیازمند حمایت والدین - حامی خانواده	هدف مشترک والدین - پرهزینه - ایفاگر «ارزش‌های مدنی» - دختر = پسر	نگاه به فرزندان
همسریابی و همسرگزینی مشورتی - اوایل ستین جوانی - همسان همسری - درون همسری - عامل همبستگی اجتماعی - فرآیندی آسان	انتخاب فرد - اصالت علقه‌های عاطفی - مشورت و تفاهم - سن ازدواج دلخواهی	قواعد همسرگزینی و ازدواج
راه خروج از بن‌بست - نیازمند تفاهم و بازنگری - حق مردانه - حق مشروط زنانه	واقعیت اجتماعی - جدایی تفاهمی - حقی مردانه / زنانه	نگاه به طلاق
خانوادگی / فردی - محوریت صله‌ی ارحام و گسترش روابط خانواده	فردی / جمعی - بیرون محور - هدف‌مند - مستمر	اوقات فراغت اعضای خانواده

در ادامه می‌توان مفاهیم دو الگوی خانوادگی مدرن مدنی (لیبرالیستی) و ایرانی - اسلامی را حول مقوله‌های اختصاصی شان تنظیم و تنسیق کرد.

مجموعه‌ی عناصر مقوله	مقوله‌ی اختصاصی	الگو
خانواده‌ی هسته‌ای جدا مکان - کنترل باروری - فرزندان محدود - جامعه‌پذیری محدود فرزندان - پرهزینه بودن فرزندان - انتخاب فردی در ازدواج - سن دلبخواهی ازدواج - اوقات فراغت فردی - اوقات فراغت هدفمند - اصالت علقه‌های عاطفی در امر ازدواج	اصالت فرد	
تأمین عاطفی دو طرف - آموزش روابط دموکراتیک - تکالیف و انتظارات نقشی متغیر - تقسیم کار تفاهمی - اصالت روابط عرصه‌ی عمومی - توازن و تساوی روابط دموکراتیک - تصمیم‌گیری تفاهمی - زنان و مردان حاسبگر و احساسی - بیرون و درون خانواده مردانه و زنانه - فرزندان ایفاگر ارزش‌های مدنی - دختر = پسر - مشورت و تفاهم - طلاق واقعی اجتماعی - جدایی تفاهمی - طلاق حقی مردانه و زنانه - اوقات فراغت بیرون محور و جمعی	روابط دموکراتیک (منطبق بر عرصه‌ی عمومی)	مدرن مدنی (لیبرالیستی)
خانواده‌ی هسته‌ای مرتبط با شبکه‌ی خویشاوندی - پیوند خانواده و جامعه - مشروعیت‌بخشی - تولید نسل - جامعه‌پذیری - کنترل اجتماعی - مراقبت و حمایت - مسئولیت‌پذیری فرزندان - فرزندان حامی خانواده - درون همسری - ازدواج به منزله‌ی همبستگی اجتماعی - اوقات فراغت جمعی و فردی - صله‌ی ارحام	اصالت جمع و اصالت فرد	
تنظیم روابط جنسی - مدیریت داخل خانه‌ی زنانه - سرپرستی مرد بر خانواده - کار بیرون مردانه - امکان مشارکت اجتماعی بیرونی زن - تکمیل‌گری زن و مرد - نقش‌های جنسیتی عاری از ارزش‌گذاری - تناسب وظایف و حقوق - توزیع قدرت دو طرفه - تصمیم‌سازی مشترک - عدالت جنسیتی و نه مساوات - مردان و زنان عقلانی و عاطفی - همسریابی و همسرگزینی مشورتی - همسان همسری - طلاق راه خروج از بن‌بست - طلاق حقی مردانه و مشروط زنانه - کنترل باروری بنا به اقتضا - ازدواج آسان در اوایل سنین جوانی - ضرورت بازنگری در طلاق - تفاهم، تطابق و هم‌دلی	تناسب (عدالت محوری)	ایرانی - اسلامی

تحلیل گفتمان نظریه‌پردازی‌های اجتماعی از الگوی خانواده‌ی مطلوب در ایران

با نگاهی به جداول مذکور، می‌توان به وجوه اشتراک و افتراق دو الگوی خانواده‌ی مدرن مدنی و ایرانی - اسلامی پی برد. به عبارت دیگر، این دو الگو در «وجه توصیفی» در همه‌ی مؤلفه‌های خود، نقطه‌ی مقابل یکدیگر نیستند (البته این موضوع درباره‌ی مبادی معرفت‌شناختی در وجه تفسیری و تبیینی بررسی شده است). مع‌الوصف، می‌توان به اجمال برخی از وجوه اشتراک و افتراق این دو الگو را دسته‌بندی کرد.

الف) اشتراکات در وجه توصیفی: یکی از کارکردهای نهاد خانواده، رفع نیازهای عاطفی و جنسی است. مفاهمه و به اشتراک گذاشتن نظرات ضروری است. زنان و مردان برای محیط درونی خانه و یا بیرونی خلق نشده‌اند و امکان مشارکت هر دو جنس در ساحت‌های بیرونی و درونی امکان‌پذیر است (البته این اشتراکات توصیفی، در هر الگو با تفاسیر و قیود اجتماعی همراه است و لذا نمی‌توان به وجه توصیفی آنها بسنده کرد؛ برای مثال مفاهمه در الگوی ایرانی - اسلامی بر مبنای حقوق تکوینی، تناسب وظایف و همچنین ارزش‌های دینی و فرهنگی بوده، اما در الگوی لیبرالیستی مبتنی بر ارزش‌های برابرگرایانه‌ی مدرن است).

ب) افتراقات در وجه توصیفی: اصالت فردی، کنترل باروری و عاطفی بودن بنیان خانواده از ویژگی‌های ساختاری این نهاد در الگوی خانواده‌ی مدرن مدنی است، اما توجه به اصالت فرد و جمع، محدودیت در کنترل باروری و کانون بودن خانواده در مناسبات جامعه به عنوان نهادی اجتماعی

و بنیادین در الگوی خانواده‌ی ایرانی - اسلامی توجه می‌شود. همچنین توجه به روابط اعضا با نهادها و سازمان‌های اجتماعی عرصه‌ی عمومی جامعه در الگوی مدرن مدنی اهمیت دارد، ولی در الگوی دیگر، خانواده ضمن حفظ هویت اجتماعی اش به مناسبات اجتماعی وارد می‌شود. تقسیم کار در الگوی مدرن مدنی بین طرفین توافق می‌شود، اما در الگوی دوم خانواده‌ی اسلامی - ایرانی، بخشی از این تکالیف برآمده از آموزه‌های دینی است که بر نوعی حقوق تکوینی دلالت دارد و جرح و تعدیل افراد در آن مدخلیت ندارد. همین نگاه درباره‌ی قدرت خانگی نیز مشهود است. در الگوی ایرانی - اسلامی اساس بر عدالت جنسیتی است، اما در الگوی خانواده‌ی مدرن مدنی، سلطه‌گریزی و داشتن استقلال (حقوقی، اجتماعی و اقتصادی) همیشه محل مناقشه بوده و لذا توافق بر سر آن نیز ضرورت می‌یابد. همچنین همسریابی و همسرگزینی در الگوی مدرن مدنی می‌تواند فردی و با اطلاع حداقلی به والدین انجام شود، اما مشورت در الگوی خانواده‌ی اسلامی - ایرانی از هنجارها و ارزش‌های اجتماعی محسوب می‌شود. در مجموع، فردگرایی از مهم‌ترین خصیصه‌های الگوی مدرن مدنی و توجه به اصالت فردی اعضای خانواده در عین توجه به وابستگی و پیوند اجتماعی (سرنوشت‌ساز) اعضا است، در الگوی دوم می‌تواند بازنمایی شود. فردگرایی الگوی خانواده مدرن باعث می‌شود که تک‌تک اعضای خانواده، بدون واسطه، در مقابل گستره‌ی وسیع جامعه تعریف شوند اما پیوندهای خانوادگی در الگوی خانواده‌ی

تحلیل گفتمان نظریه‌پردازی‌های اجتماعی از الگوی خانواده‌ی مطلوب در ایران

اسلامی - ایرانی باعث می‌شود تا فرد ضمن برخورداری از پشتوانه‌ی هویت جمعی - خانوادگی و محاط بودن در آن، با عرصه‌ی وسیع جامعه مواجه شود.

۶-۲- تحلیل گفتمان تفسیری و تبیینی: پیش‌زمینه‌ی گفتمانی (بافت موقعیتی)

۶-۲-۱- الگوی خانواده‌ی مدرن مدنی (لیبرالیستی)

الگوی خانواده‌ی مدرن مدنی برآمده از ادبیات گفتمانی جامعه‌ی مدنی لیبرالیستی در ایران است. گفتمان جامعه‌ی مدنی بر مبنای فردگرایی، نفع‌انگاری، عقلانیت و تکثرگرایی است (دارابی ۱۳۸۹: ۲۷۸). برخی این جریان را وابسته به گفتمان تجدید نظر طلبی نولیبرال قلمداد کرده‌اند (جمعی از پژوهشگران ۱۳۹۱: ۳۸ و ۳۹). حدود یک دهه از طرح الگوی خانواده‌ی مدرن مدنی به صورت نظری و ساختارمند در ایران می‌گذرد. قرابت گفتمانی این الگو همچنین با اندیشه‌ی لیبرالیسم و آگاهی و معرفت باز اندیشانه نیز بررسی می‌شود (جلایی پور ۱۳۸۳: ۱۶۷ و جمعی از پژوهشگران ۱۳۹۱: ۴۳). به علاوه این الگو از دو پارادایم تفسیری و انتقادی و به طور خاص، نظریه‌ی دموکراسی گفت‌وگویی^۱ و دموکراسی عاطفی آنتونی گیدنز و نظریه‌ی کنش ارتباطی^۲ و عرصه‌ی عمومی^۳ یورگن هابرماس متأثر است.

1- Dialogic Democracy

2- Communicative Action

3- Public Sphere

هابرماس معتقد است جامعه‌ی مدنی شامل انجمن‌ها، جنبش‌ها و سازمان‌های نسبتاً خودجوش است و هسته‌ی اصلی این جامعه شامل شبکه‌ای از روابط است که به نهادینه شدن بحث‌های معطوف به حل مسائل مورد علاقه‌ی همگان در حوزه‌های عمومی سازمان یافته کمک می‌کند (جلایی پور و محمدی، ۱۳۸۸: ۲۵۳). همان طور که ملاحظه می‌شود، به کار گرفتن برخی اصطلاحات و واژگان متعلق به نظریه‌های هابرماس و گیدنز در مباحث متعلق به الگوی خانواده‌ی مدرن مدنی (لیبرالیستی) آشکار است، برای مثال می‌توان به دو واژه‌ی «عرصه‌ی عمومی» و «روابط دموکراتیک» اشاره کرد که در بازنمایی و بازسازی الگوی خانواده‌ی مدرن مدنی آشکارا استفاده می‌شوند. مروجین این الگو در دفاع از خانواده‌ی مدرن مدنی پنج دلیل را ذکر کرده‌اند (جلایی پور، ۱۳۸۵: ۲۹):

- در دسترس‌تر و مؤثرتر بودن نهاد خانواده‌ی مدرن مدنی در مقایسه با سایر نهادهای مؤثر در اصلاح جامعه از جمله نهاد حکومت، تشکل‌های مدنی (NGO) و سایر مراکز فرهنگی، هنری و انتشاراتی؛ به عبارت دیگر، ورود به خانواده و اصلاح آن پیش زمینه‌ی ورود به اصلاح جامعه‌ی ایرانی خواهد بود؛

- موقعیت زنان در نهاد خانواده‌ی مدنی در مقایسه با سایر نهادها کمتر تبعیض‌آمیز است و زنان در موقعیت فرودستی قرار ندارند؛

تحلیل گفتمان نظریه‌پردازی‌های اجتماعی از الگوی خانواده‌ی مطلوب در ایران

- جامعه‌ی ایران هنوز در مرحله‌ی پیشادموکراسی است و به مرحله‌ی تحکیم دموکراسی نرسیده است. زنان و مردان نباید به موازات فعالیت‌های آزادی‌خواهانه‌ی خود در عرصه‌ی عمومی از نقش‌رهایی‌بخش خانواده‌ی مدرن مدنی غفلت کنند؛

- وجود ابعاد منفی در خانواده همچون روابط جنسی خارج از چارچوب زناشویی، خشونت‌ها، سرخوردگی‌ها، بیگانگی‌ها و آسیب‌های اجتماعی از مهم‌ترین دلایل توجه دادن جامعه به تحکیم خانواده‌ی مدرن مدنی است؛
- نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که زمینه برای تقویت خانواده‌ی مدنی زیاد است.

مروجین الگوی یکی از مهم‌ترین گروه‌هایی را که می‌تواند در ترویج خانواده‌ی مدرن مدنی نقش داشته باشد، فمینیست‌های ایرانی می‌دانند (جلایی پور ۱۳۸۵: ۲۸). بر مبنای گفتمان جامعه‌ی مدنی در ایران، مهم‌ترین ویژگی خانواده‌ی مدنی، برقراری روابط مبتنی بر برابری بین حقوق زن و مرد در خانواده بر پایه‌ی تفاهم و گفت‌وگو اما بر پایه‌ی اصالت فرد است.

۶-۲-۲- الگوی خانواده‌ی ایرانی اسلامی

مروجین این الگو با اشاره به ضرورت شکل‌گیری گفتمان رفع آسیب در بخش‌های مختلف نهادها و سازمان‌های نظام اجتماعی در ایران، معتقدند با توجه به وجود مشکلاتی که بخش اعظمی از آن ناشی از هجسه‌های فرهنگی و رسانه‌ای تمدن غرب بوده و خطر نفوذ این هنجارها در لایه‌های فرهنگی

و ارزشی جامعه وجود دارد، لازم است تا ضمن مقابله با ابعاد تهدید کننده‌ی هنجارها و ارزش‌های موجود در گفتمان‌های غربی از جمله فردگرایی، انسان محوری، اصالت سود، مادی گرایی، اصالت لذت و نظایر آن به بازسازی سبک زندگی ایرانی - اسلامی اقدام کرد. بر این مبنا، ساختار کل جامعه‌ی اسلامی بر بنیاد خانواده است. خانواده از برجسته‌ترین وجوه واقعیت اجتماعی یک جامعه‌ی اسلامی است (نصر ۱۳۸۴: ۶۴ و ۸۸). شهید مطهری و علامه طباطبایی نیز بر این موضوع تأکید بسیار داشتند (آزاد ارمکی ۱۳۹۰: ۴۰). شهید مطهری دیدگاهی سیستمی به خانواده داشت (سالاری فر ۱۳۸۵: ۱۱). از این رو، در ساخت اجتماعی، لازم است ابتدا سبک زندگی ایرانی - اسلامی (که در مرکز آن خانواده است) در لایه‌های مختلف خرده نظام اجتماعی شکل بگیرد تا با زمینه قرار دادن آن بتوان هنجارها و ارزش‌های اجتماعی برآمده از جهان بینی اسلامی را ترویج کرد و ضمن کاستن از تبعات آسیب‌زای انگاره‌ها و تفکر غربی برای نهادهای اجتماعی یعنی تعلیم و تربیت، اقتصاد و سایر بخش‌های نظام اجتماعی الگوسازی شود.

از مهم‌ترین راهبردها و استراتژی‌های این جریان برای مقابله با گفتمان‌های رایج غربی از جمله لیبرالیسم، سوسیالیسم و گفتمان‌های التقاطی دیگر گفتمان‌سازی است (www.olgu.ir). به عبارت دیگر از نگاه این جریان، زمانی می‌توان با یک گفتمان رقیب و الگوهای برآمده از آن مقابله کرد که در جامعه‌ی ایران بتوان به ایجاد گفتمان مطلوب مبادرت کرد. یعنی توجه

به پیوند دو بعد ذهنی و عینی از پدیده‌های اجتماعی، به گونه‌ای که علاوه بر ترویج ارزش‌ها و فرهنگ متناسب با جامعه‌ی ایران در سطح نظری، در سطح عمل نیز بتوان الگوهایی حائز اهمیت ایجاد کرد تا به واسطه‌ی آنها بتوان واقعیت اجتماعی موجود را به سمت مطلوب دستکاری و هدایت کرد. یکی از ویژگی‌های مهم الگوی خانواده‌ی ایرانی - اسلامی، تکیه بر دو بعد هویتی دینی و ملی به صورت توأمان با یکدیگر است. پس، الگوی خانواده‌ی ایرانی - اسلامی الگویی برآمده از ارزش‌های فرهنگی اجتماعی دینی با قالبی ملی است. این جریان معتقد است با عنایت به جامعیت دین اسلام به عنوان دین خاتم، تمامی مؤلفه‌های لازم برای زندگی اجتماعی در آموزه‌های اسلام وجود دارد (مطهری ۱۳۸۵: ۶۳ و ۶۴؛ دارابی ۱۳۸۹: ۱۳۸؛ جمعی از پژوهشگران ۱۳۹۱: ۱۹) و تفاوت اسلام با سایر ادیان پویایی آن است به گونه‌ای که تحقق الگوهای دینی در هر زمان و مکان فراهم است (مطهری ۱۳۵۷: ۷۴). یکی از مهم‌ترین پویس‌های نظری مروجین این الگو، ایجاد تمایز بین اسلام و سنت بوده است (دارابی ۱۳۸۹: ۴۹۲). از نظر آنها عنصر پویایی نهفته در اسلام، باعث می‌شود که نتوان این دین را به‌طور کامل مشمول سنت دانست. از مهم‌ترین استدلالات نظری برای این مدعا، وجود فقه پویای تشیع است که متناسب با هر مقطع تاریخی می‌تواند احکام و دستورات دینی لازم را تدوین کند. به تعبیر آزاد ارمکی، خانواده‌ی ایرانی با نوع قرابتی که با اندیشه‌ی دینی شیعی دارد، توانسته است به نوعی تعامل بین دین و اجتماع برسد (آزاد ارمکی

۱۳۹۰: ۱۵۹). نفوذ و احیای مجدد ارزش‌های دینی به دنبال انقلاب اسلامی در ایران، مانع راهیابی الگوهای نوین و رواج یافتن جایگزین‌های غربی برای خانواده‌ی سنتی در ایران شده است (آزادارمکی و همکاران ۱۳۸۲: ۲۲).

در خانواده‌ی سنتی ایرانی می‌توان از برخی تعالیم و آموزه‌های اسلام سراغ گرفت، اما این به معنای یکی بودن آن با الگوی خانواده‌ی ایرانی - اسلامی نیست. به علاوه، خانواده‌ی سنتی بیشتر بر پایه‌ی مؤلفه‌های فرهنگ ملی شکل یافته است و البته در کنار خود برخی عناصر دینی را نیز لحاظ کرده است. الگوی خانواده‌ی ایرانی - اسلامی متعلق به گفتمان سبک زندگی ایرانی - اسلامی (پیشرفت و تمدن اسلامی) است که به دنبال سبک پیشرفت با مؤلفه‌های هویتی سازگار با جامعه‌ی ایرانی است. در این میان برخی بر این باورند که تحقق خانواده‌ی ایرانی - اسلامی راهی به سوی ایجاد تمدن ایرانی - اسلامی است (www.isna.ir).

این گفتمان از سوی نهاد سیاسی و با همکاری نخبگان دانشگاهی و حوزوی در ایران در حال شکل‌گیری است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این گفتمان نزدیک بودن به عرصه‌ی رسانه است. گفتمان زمانی می‌تواند از سطح نخبگانی به عرصه‌ی عمومی جامعه نفوذ کند که رسانه به ویژه شبکه‌های تلویزیونی درباره‌ی چپستی و ضرورت آن گفتمان گفت‌وگو کنند تا به گفتمانی مسموع و فراگیر در جامعه مبدل شود. سازمان‌ها و پژوهشگاه‌هایی نیز برای پیشبرد اهداف این گفتمان تأسیس شده و همچنین همایش‌هایی با

مضمون الگوی پیشرفت و سبک زندگی ایرانی - اسلامی برگزار شده است. بنابر آنچه گفته شد، این گفتمان به عرصه‌ی قدرت در جامعه نزدیک است اما این بدان معنا نیست که اعتبار خود را لزوماً از قدرت کسب کند، زیرا منشأ اصلی آن فقه اجتماعی - سیاسی دین مبین اسلام است. اهداف تدوین الگوی ایرانی - اسلامی خانواده به شرح زیر ذکر شده است:

- محوریت خانواده در پیشرفت فرد و جامعه؛
 - آسیب‌زایی شرایط فعلی خانواده برای جامعه و لزوم رفع آن؛
 - تحکیم روابط و بعد عاطفی میان فردی و اعضای خانواده؛
 - تسهیل فرآیند ازدواج در جامعه؛
 - کاستن از رواج الگوهای زودگذر خانواده در جامعه
- (www.oiiip.ir؛ www.mehrnews.com).

مؤلفه‌ی تحلیل	الگوی مدرن مدنی (لیبرالیستی)	الگوی ایرانی - اسلامی
مفصل‌بندی ^۱	حول مفاهیم: روابط دموکراتیک - اصالت فرد	حول مفاهیم: تناسب و ظایف و حقوق - اصالت فرد و جمع - توجه به آموزه‌های دین (قرآن و سنت)
دال مرکزی ^۲ (گره‌گاه) ^۳	ارزش‌های لیبرالیستی و برابرگرایانه ^۴	تناسب و توافق مبتنی بر ارزش‌های دینی و فرهنگی (حقوق تکوینی)
ابعاد (دال‌های شناور ^۵ ثبیت شده)	هسته‌ای جدا مکان بودن خانواده - ضرورت آموزش روابط دموکراتیک درون خانواده - تکالیف و انتظارات نقشی متغیر - تقسیم کار تفاهمی - توازن و تساوی روابط دموکراتیک - عادی بودن طلاق به منزله‌ی واقعیتی اجتماعی - توجه به اصالت فرد ^۶ - اوقات فراغت بیرون محور	هسته‌ای بودن خانواده - اهمیت صله‌ی ارحام و شبکه‌ی خویشاوندی - نقش‌های جنسیتی عاری از ارزش‌گذاری - تکمیل‌گر بودن زن و مرد - توجه به عدالت جنسیتی - توجه به همسان‌همسری و درون همسری
اسم‌سازی ^۷	اصطلاح «دموکراسی عاطفی» (دلالت بر تأکید خاص و ویژه‌ی این الگو بر لزوم تأثیر فضای خانواده از قوانین و ضوابط عرصه‌ی عمومی و جامعه‌ی لیبرال دارد)	اصطلاح «عدالت جنسیتی» (برای تمایز آن از «برابری جنسیتی» و «تساوی جنسیتی» قابل شناسایی است).
برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی	برجسته‌سازی: روابط دموکراتیک - اصالت فرد به حاشیه‌راندن: پدر سالاری و اصالت جمع	برجسته‌سازی: اصالت جمع و فرد ^۸ - عدالت جنسیتی به حاشیه‌راندن: اصالت فرد و اصالت جمع به تنهایی و همچنین تبعیض جنسیتی.

1- Articulation

2- Nodal Point

3- Crux

۴- بنگرید به: دارابی ۱۳۸۹: ۳۴۹

همچنین لازم به ذکر است که در گفتمان نولیبرال و جامعه‌ی مدنی، در نهایت مفصل‌بندی به گره‌گاه «اومانیزم» ختم می‌شود (جمعی از پژوهشگران ۱۳۹۱: ۴۱)، اما در خانواده‌ی مدنی در ایران نمی‌توان این دال مرکزی را با صراحت به کار برد.

5- Floating signifiers

۶- بنگرید به: جمعی از پژوهشگران ۱۳۹۱: ۴۴

7- nominalization

۸- برای خانواده‌ی اسلامی می‌توان از مفهوم خانواده به منزله‌ی «سوژه‌ی جمعی» استفاده کرد که در عین استقلال شخصیتی افراد، سرنوشت اعضا کاملاً به هم، گره خورده است.

۷- جمع بندی و نتیجه گیری

نظریه‌پردازی اجتماعی در زمینه‌ی الگوی خانواده در ایران یکی از رهیافت‌های نظری برای تدوین سبک زندگی محسوب می‌شود. تلاش‌های نظریه‌پردازان برای الگوی خانواده، برآمده از گفتمانی مشخص است. در این مقاله در بین تکاپوهای نظریه‌ورزانه برای معرفی الگوی خانواده در ایران، دو الگوی خانواده‌ی مدرن مدنی (لیبرالیستی) و ایرانی - اسلامی شناسایی و بازنمایی و تحلیل گفتمان شد. البته این دو الگو تنها الگوهای معرفی شده نیستند، بلکه از یک سو الگوهایی هستند که حول آنها، پژوهش‌ها و نظریاتی به صورت علمی از منظر جامعه‌شناختی انجام شده است و از سوی دیگر، عنوان «الگو» در آنها بر جامعیتی دلالت دارد که هم ساختار خانواده (کلان) و هم روابط میان فردی اعضای خانواده (خرد) را پوشش می‌دهد. در ارزیابی این دو الگو شایسته است که به چند معیار توجه شود. برخی از مهم‌ترین این معیارها عبارت‌اند از نگاه به موقعیت و منزلت اجتماعی زنان؛ نوع و نحوه‌ی روابط اعضای خانواده؛ رابطه‌ی متقابل خانواده و جامعه؛ نگاه به عاملیت اعضا و یا وابستگی به جمع خانواده؛ توجه به روابط بین نسلی خویشاوندان و نسبت تکالیف و حقوق اجتماعی اعضای خانواده.

الگوی خانواده‌ی مدنی علی‌رغم برخورداری از مؤلفه‌های مثبتی همچون توجه به حقوق اجتماعی زنان در خانواده و بالتبع جامعه و یا توجه به اصل مشارکت و مفاهمه در نهاد خانواده، نقاط ضعفی را نیز به همراه دارد؛ برای

نمونه، می‌توان به تأثیرپذیری مدام خانواده از روابط جاری در عرصه‌ی عمومی جامعه اشاره کرد. در خانواده‌ی مدرن مدنی تقدم جامعه بر خانواده مفروض است و روابط دموکراتیک در جامعه، روابط خصوصی و صمیمانه‌ی خانواده را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد. این الگو مهم‌ترین کارکرد و هدف خانواده را تولید فرزندان می‌داند که باید برای ارزش‌های مدنی جامعه تربیت شوند (جلایی‌پور ۱۳۸۵: ۳۰). از این رو، آموزش ارزش‌های مدنی و موضوعاتی از جمله برابری و آزادی در جامعه به ساحت نهاد خانواده ورود کرده و در بسیاری از ابعاد آن تأثیر می‌گذارد. به نظر می‌رسد، در چنین الگویی خانواده حیاتی مستقل از جامعه ندارد و تابعی از شرایط و اوضاع جامعه و عرصه‌ی عمومی است. همچنین باید در نظر داشت که الگوی مدرن مدنی با زمینه‌ی هویت فرهنگی ایران انطباق کامل ندارد. یکی از مؤلفه‌های تاریخی - اجتماعی هویت ایرانیان، توجه به جمع خانوادگی است اما در خانواده‌ی مدرن مدنی از یک طرف، اصالت فرد شرایط را برای توجه به نیازهای جمع و خویشاوندی محدود می‌سازد و از طرف دیگر، تأکید بر رعایت آموزه‌های دموکراتیک برای تولید یک شهروند مدنی، حاکی از این واقعیت است که خانواده واحدی عاطفی در خدمت به نیازهای جامعه است. این الگو، خانواده را تنها به یک واحد عاطفی تقلیل می‌دهد و از این رو، خانواده فقط واحدی برای رفع نیازهای عاطفی فردی و بستری برای تولید شهروندان مدنی است که بالتبع کاهش مناسبات بین نسلی بین خویشاوندان

نیز پدید می‌آید. بنابراین در این الگو موضوع اصالت فرد شرایط را برای تداوم پاره‌ای از آسیب‌های فعلی خانواده هموار می‌سازد، چرا که امروزه کاهش روابط عاطفی در خانواده و رشد انتخاب فردی باعث شده است تا ازدواج، طلاق، بُعد خانواده، روابط بین نسلی و نظایر آن تحت تأثیر قرار گیرد (عرفان منش ۱۳۹۲). یکی دیگر از مشکلات این الگو کم‌رنگ شدن کارکرد حمایتی و مراقبتی خانواده‌ها در قبال اعضای سالمند است.

در خصوص الگوی خانواده‌ی ایرانی - اسلامی، چنین به نظر می‌رسد که نظریه‌پردازی منسجم در حوزه‌ی مطالعات اجتماعی خانواده برای این الگو چندان قوت نیافته است، اما با توجه به نظریه‌پردازی‌های محدود انجام شده، ویژگی‌های مطلوبی شناسایی می‌شود. پذیرفته شدن حقوق زنان و امکان حضور فعال و مؤثر آنها در عرصه‌های مختلف جامعه امری مطلوب تلقی می‌شود و در مقابل، با نگرش‌هایی که در آن زنان به منزله‌ی افرادی موظف به انجام امور داخلی خانه‌اند، مقابله می‌شود. در این الگو، تناسب حقوق با نقش‌ها و تکالیف زن و مرد، به طور منصفانه و عادلانه بر مبنای دین تنظیم شده است. همچنین با توجه به اصالت فرد و جمع در کنار یکدیگر، هم به خواسته‌های فردی و هم جمعی توجه می‌شود. این موضوع باعث می‌شود افراد ضمن پیگیری علاقه‌های شخصی و زندگی خصوصی خود، همواره مصالح خانواده را نیز در نظر داشته باشند. مشورت و هم‌فکری یکی از نتایج مهم این توانمندی است. همچنین توجه به خویشاوندان و ضرورت

پیوند با آنها علاوه بر افزایش سرمایه‌ی اجتماعی خانواده‌ها، باعث می‌شود تا مشکلات مربوط به تأمین عاطفه - که در بخش قبل به آن اشاره شد - کاهش یابد. از این رو، مناسبات نسلی تقویت می‌شود. همچنین تأکید این الگو بر موضوع ازدواج و شرایط اجتماعی که برای آن در نظر گرفته است، می‌تواند بخشی از مسائل و آسیب‌های موجود در نهاد خانواده را کاهش دهد. همسان همسری و درون همسری سبب تقویت اعتماد اجتماعی بین افراد جامعه می‌شود. همچنین عنصر دین باعث می‌شود تا نگاه ابزاری و مادی به روابط خانوادگی تلطیف و موضوعات غیر مادی خانواده و ازدواج لحاظ شود. یکی دیگر از زمینه‌های اجتماعی - تاریخی این الگو، توجه به دو مؤلفه‌ی مهم هویتی فرهنگ ایرانی و دین در جامعه‌ی ایرانی است. فرهنگ ایرانی باعث استمرار آن دسته از ویژگی‌های خانواده‌ی ایرانی است که کارکرد اجتماعی مثبت دارند؛ برای مثال، فرهنگ قوم و خویشی به انسجام و همبستگی اجتماعی در بین خانواده‌ها و جامعه منتج می‌شود. عنصر دین نیز به منزله‌ی پیوند اجتماعی بین اقوام و خانواده‌های مختلف در جامعه‌ی ایرانی عمل خواهد کرد. از این رو، بر اساس عاملی غیر رسمی، روابط درونی خانواده و روابط خانواده با جامعه مستحکم‌تر می‌شود. هویت دینی با همه‌ی نفوذ و نیروی خود در دوره‌های گوناگون تاریخ جامعه‌ی ایران بر هویت ملی و فرهنگ ایرانی غلبه نکرده و جایگزین فرهنگ ایرانی نیز نشده است بلکه در دوره‌های مختلف، در کنار فرهنگ ایرانی بوده (احمدی ۱۳۸۸: ۱۱۸-۱۱۶) و این

تحلیل گفتمان نظریه‌پردازی‌های اجتماعی از الگوی خانواده‌ی مطلوب در ایران

هر دو مؤلفه به زاینده‌گی و پویایی جامعه کمک کرده و یکدیگر را معاضدت و تقویت کرده‌اند.

در مجموع با اتخاذ رویکرد تحلیل گفتمانی می‌توان شاخص‌هایی را برای تحلیل مقایسه‌ای بین این دو الگو به کار بست. در این مقاله، برای بررسی الگوهای خانواده از عناصر تحلیلی مفصل‌بندی، دال مرکزی، دال‌های شناور، اسم‌سازی، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی بهره گرفته شد. در این میان، روابط دموکراتیک، اصالت فرد در الگوی خانواده‌ی مدنی و تناسب وظایف و حقوق، اصالت فرد و جمع، توجه به آموزه‌های دین (قرآن و سنت) در الگوی خانواده‌ی ایرانی - اسلامی به عنوان عامل مفصل‌بندی شناسایی می‌شوند. همچنین ارزش‌های برابرگرایانه‌ی لیبرالیستی در الگوی خانواده‌ی مدنی و تناسب و توافق بر اساس ارزش‌های دینی و فرهنگی در الگوی خانواده‌ی ایرانی - اسلامی به عنوان دال مرکزی استخراج می‌شوند. دو مؤلفه‌ی مفصل‌بندی و دال مرکزی گویای نگاه معرفت‌شناختی این دو الگو نیز است.

بنابراین - با بازگشت به هدف و پرسش محوری و آغازین این مقاله - در مجموع چنین به نظر می‌رسد که در بین نظریه‌پردازی‌های انجام شده از دو الگوی مدرن مدنی (لیبرالیستی) و ایرانی - اسلامی، مهم‌ترین تفاوت ناشی از سطوح هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی است. الگوی مدرن مدنی (لیبرالیستی) الگویی وارد شده و رهاورد جهان‌بینی غرب بوده، اما الگوی ایرانی - اسلامی

برآمده از پویایی دین و فرهنگ در جامعه‌ی ایران است. به علاوه اصالت فرد در الگوی مدرن مدنی می‌تواند برخی از مسائل فعلی در خانواده را تشدید کند، اما در مقابل، الگوی خانوادگی ایرانی - اسلامی با داشتن اصالت فرد در کنار اصالت جمع، به نوعی از اعتدال اجتماعی دست یافته است (تناسب). همچنین خانواده در ایران همواره پذیرای آموزه‌های دینی بوده و توانسته با تمسک به آن، بسیاری از برساخته‌های ذهنی درباره‌ی جنسیت، زن، تقسیم کار خانگی و روابط اعضای خانواده را زدوده و ابعاد جدیدی را جایگزین کند.

منابع

- ◀ آزاد ارمکی، تقی ۱۳۹۰. جامعه‌شناسی خانوادگی ایرانی، تهران، سمت.
- ◀ آزاد ارمکی، تقی و مهناز زند و طاهره خزاعی. «روند تغییرات فرهنگی اجتماعی خانوادگی تهرانی طی سه نسل»، فصل‌نامه‌ی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)، سال ۱۲ و ۱۳ ش ۴۴ و ۴۵، (۱۳۸۲).
- ◀ آقاگل زاده، فردوس ۱۳۸۵. تحلیل گفتمان انتقادی، تهران، علمی و فرهنگی.
- ◀ احمدی، حمید ۱۳۸۸. بنیادهای هویت ملی ایرانی، تهران، پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ◀ امیری، مجتبی. «روش‌شناسی آسیب‌شناسی خانواده و دست‌یابی به الگوی بهینه با رویکرد بومی، پژوهش‌نامه وابسته به پژوهشکده‌ی تحقیقات استراتژیک، ش ۴۵، (۱۳۸۸).
- ◀ بابایی، محبوبه. الگوی خانواده و سبک فراغت جنسیتی در تهران، خانواده و پژوهش، سال ۲، ش ۳، (۱۳۸۴).
- ◀ باقری، شهلا. راهبرد نظریه‌پردازی در جامعه‌شناسی جنسیت و جامعه‌شناسی خانواده، مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۳، ش ۵۰، (۱۳۸۹).
- ◀ بستان، حسین. «تشیع و تأثیر آن بر خانواده در ایران»، شیعه‌شناسی، سال ۳، ش ۱۱، (۱۳۸۴).
- ◀ بستان، حسین و همکاران ۱۳۸۵. اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ◀ بلیکی، نورمن ۱۳۸۷. طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران، نی.
- ◀ بیرو، آلن ۱۳۷۰. فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه‌ی باقر ساروخانی، تهران، کیهان.
- ◀ جلایی پور، حمید رضا. «دموکراسی گفت و گویی با اشاره‌ای به ایران»، جامعه‌شناسی ایران، ش ۱۷، (۱۳۸۳).
- ◀ _____ . «چرا خانوادگی مدنی در ایران رهایی بخش است؟»، زنان، ش ۱۳۰، (۱۳۸۵).

- ◀ _____ . «ایران جامعه‌ای مدرن اما بد قواره»، *بازتاب اندیشه*، ش ۸۹ و ۹۰، (۱۳۸۶).
- ◀ جلالی پور، حمید رضا و جمال محمدی ۱۳۸۸. *نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی*، تهران، نی.
- ◀ جلالی پور، محمدرضا. «چشم انداز خانواده»، *بازتاب اندیشه*، ش ۴۴، (۱۳۸۲).
- ◀ جمعی از پژوهشگران ۱۳۹۱. *جریان‌شناسی گفتمان‌های همسو و معارض انقلاب اسلامی*، تهران، اندیشکده‌ی راهبردی تبیین.
- ◀ دارابی، علی ۱۳۸۹. *جریان‌شناسی سیاسی در ایران*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی.
- ◀ دفتر مطالعات تحقیقات زنان حوزه‌ی علمیه‌ی قم. «خانواده‌ی امروز و آسیب‌های آن»، *بسته‌ی مقاله*، ش ۱۵، (۱۳۹۲).
- ◀ نوابی نژاد، شکوه. «آسیب‌ها و الگوهای مطلوب خانواده»، *زن و خانواده*، تهران، دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی، (۱۳۹۱).
- ◀ رضایی، جمال و علی اصغر نراقی. «بررسی الگوی خانواده‌ی سالم در سیره‌ی پیامبر اسلام(ص)»، *فدک*، سال ۱، ش ۱، ش ۱۳۸۹.
- ◀ سالاری‌فر، محمد رضا ۱۳۸۵. *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
- ◀ سلطانی، سید علی اصغر. «تحلیل گفتمان به مثابه‌ی نظریه و روش»، *علوم سیاسی*، سال ۷، ش ۲۸، (۱۳۸۳).
- ◀ سلطانی، مهدی. «الگوی ساختار خانواده‌ی مطلوب از دیدگاه اسلامی»، *معرفت*، سال ۲، ش ۳، (۱۳۹۰).
- ◀ شکرپیگی، عالیہ ۱۳۹۰. *مدرن‌گرایی و سرمایه‌ی اجتماعی خانواده: درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده در ایران*، تهران، جامعه‌شناسان.
- ◀ صادقی فسایی، سهیلا و ایمان عرفان منش. «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده‌ی ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی»، *زن در فرهنگ و هنر*،

تحلیل گفتمان نظریه‌پردازی‌های اجتماعی از الگوی خانوادگی مطلوب در ایران

- دوره ۵، ش ۱، (۱۳۹۲).
- ◀ عرفان منش، ایمان. *بازنمایی الگوهای خانواده و مناقشات گفتمانی آن‌ها در ایران*، (پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، رشته‌ی جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران) ۱۳۹۲.
- ◀ علوی تبار، علی‌رضا. «خانواده‌ی سنتی گزینه‌ای نا ممکن»، *بازتاب اندیشه*، ش ۹۵، (۱۳۸۶).
- ◀ فاضلی، نعمت‌اله و شیوا علینقیان. «گونه‌شناسی الگوهای در حال ظهور زندگی خانوادگی در شهر تهران»، *مجموعه مقاله‌های اعضای کارگروه زنان و فرهنگ شهری*، (۱۳۹۱).
- ◀ فرکلاف، نورمن ۱۳۷۹. *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه‌ی فاطمه شایسته پیران و همکاران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹.
- ◀ قائمی، علی ۱۳۶۳. *نظام حیات خانواده در اسلام*، تهران، انجمن اولیا و مربیان.
- ◀ قوامی، نسرين السادات. *گونه‌شناسی انواع خانواده‌های بازنمایی شده در فیلم‌های تلویزیونی*، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، رشته‌ی مطالعات زنان، دانشگاه تهران، (۱۳۸۸).
- ◀ گاردنر، ویلیام ۱۳۸۶. *جنگ علیه خانواده*، ترجمه‌ی معصومه محمدی، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- ◀ گیدنز، آنتونی ۱۳۸۲. *جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران، نی.
- ◀ مرکز مطالعات زنان دانشگاه تهران ۱۳۸۶. *بررسی عوامل مؤثر در تحکیم خانواده*، تهران.
- ◀ مطهری، مرتضی ۱۳۵۷. *نظام حقوق زن در اسلام*، قم، صدرا.
- ◀ _____ . ۱۳۸۵. *انسان و ایمان*، تهران، صدرا.
- ◀ معین، محمد ۱۳۷۸. *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر.
- ◀ مک دانل، دایان ۱۳۸۰. *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان*، ترجمه‌ی حسین علی نودری، تهران، فرهنگ گفتمان.

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده

- ◀ مک کارتی، جین رینز و روزالیند ادواردز ۱۳۹۰. مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده، ترجمه‌ی محمد مهدی لیبی، تهران، علم.
- ◀ نصر، سید حسین ۱۳۸۴. جوان مسلمان و دنیای متجدد، ترجمه‌ی مرتضی اسعدی، تهران، طرح نو.
- ◀ نقوی، محمد علی ۱۳۷۷. جامعه‌شناسی غربگرایی، تهران، امیرکبیر.
- ◀ ون داک، تئون ادریانوس ۱۳۸۲. مطالعاتی در تحلیل گفتمان، ترجمه‌ی پیروز ایزدی و همکاران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- Gee, James Paul 1999. An Introduction to discourse analysis: Theory and method, Routledge.
- Goode, William Josiah 1963. World revolution and family patterns, New York, Free Press of Glencoe.
- Hakim, Catherine 2003. Models of the Family in Modern societies: Ideal & Realities, England, Ashgate.
- Nimkoff, M.F 1965. Comparative Family System, Boston, Houghton Mifflin.
- Wodak, Ruth 2001. *What CDA is about?* (a summary of its history important concepts and its developments in Method of Critical Discourse Analysis), London, Sage Publication.
- ◀ مصاحبه‌ی غلام‌رضا گودرزی، ۱۳۹۱/۰۱/۱۹، www.olgu.ir
- ◀ مصاحبه‌ی محمد رضا زیبایی نژاد، ۱۳۹۱/۱۰/۲۷، www.isna.ir
- ◀ مصاحبه‌ی حسین بستان، ۱۳۹۱/۹/۲۶، www.mehrnews.com
- ◀ دبیرخانه‌ی امور تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، www.oiiip.ir